

سرمقاله

افغانستان نیازمند توجه به زیربنای اقتصادی

حفیظ الله زکی

یکی از مسایلی که در پانزده سال گذشته مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته بود، تمرکز روی پروژه های زیربنایی در کشور بود. کمک های جامعه جهانی اغلب در امورات عام المنفعه به مصرف می رسید و با دهها برابر هزینه واقعی به بهره برداری سپرده می شد.

توجه به نیازمندی های اولیه و ضروری مردم، البته در کشورهای پسنج از جنگ یک امر حتمی و لازمی به شمار می آید؛ اما این مساله هرگز به معنای فراموشی پروژه های کلان ملی و غفلت از امورات اساسی و زیربنایی در کشور نیست. متأسفانه در سالهای گذشته نه حکومت و نه کشورهای کمک کننده، علاقمندی برای اجرای پروژه های پر هزینه؛ اما اساسی و مؤثر نشان ندادند. کارگزاران حکومت و مؤسسات مربوط به کشورهای کمک کننده منافع شان را در انجام پروژه های خورد و کم هزینه تر می دیدند. این پروژه ها هم در معرض دید عمومی قرار می گرفتند و هم زودتر به بهره برداری سپرده می شدند و این از نظر تبلیغاتی و ارضای افکار عمومی به مراتب نسبت به پروژه های بزرگ مناسب تر بوده و نظارت بر این پروژه ها نیز دشوارتر می شد.

سیاست های نادرست در مورد مصرف کمک ها سبب شد که حدود هفتاد در صد آنها در چرخه فساد، اختلاس و خواست های منفعت جوینان افراد، نهادها و مؤسسات خارجی هدر رود. برنامه های بازسازی در افغانستان به صورت بسیار ناهماهنگ، پراکنده و ناقص به پیش رفته است. این ناهماهنگی در سبب فقر و فقر استراتژی مؤثر اقتصادی ضربات بزرگ و جبران ناپذیری را به روند بازسازی کشور وارد کرد و مؤثرترین برنامه های بازسازی را در بهبود زندگی مردم، تأمین امنیت و رشد اقتصادی کشور تأحد زیادی کاهش داد.

باخروج نیروهای خارجی از کشور در پایان سال ۲۰۱۴ و به دنبال آن کاهش حجم کمک ها، یکباره مردم در پر نگاه فقر و بیکاری قرار گرفت. میلیاردها دالر کمک های جامعه جهانی نتوانست حتی برای یکسال زندگی مردم افغانستان را در حالت نورمال نگهدارد. اقتصاد مردم به کمک ها و مصرف های روزمره خارجی ها وابسته بود و از این جهت با خروج خارجی ها از یک طرفی کار و بار مردم لطمه دید و از سویی میزان درآمد آنها کاهش پیدا کرد.

ما در پانزده سال گذشته فرصت های زیادی را از دست دادیم. ما از کمک های خارجی برای توسعه کشور و بازسازی و نوسازی زیربنای اقتصادی بهره برده نتوانستیم. افغانستان مانند پانزده سال قبل نیازمند کمک های خارجی است؛ اما حالا همه می

دانیم که کمک های خارجی مانند گذشته بی حساب و کتاب به افغانستان داده نمی شود. افغانستان باید در سال های آینده از یک طرف تلاش کند تا توجه جامعه جهانی را به ادامه کمک های اقتصادی به افغانستان جلب نماید و از طرف دیگر سعی کند تا در پرتو سیاست های مؤثر اقتصادی و تکیه کردن به امورات زیر بنایی، از وابستگی کشور به کمک های خارجی بکاهد.

نقطه امید در این زمینه این است که در حال حاضر جامعه جهانی نیز از پروژه های کلان اقتصادی در افغانستان حمایت می کند و این مسأله فرصت دیگری را برای حکومت افغانستان فراهم می سازد تا وضعیت فلاکت بار اقتصادی در کشور را به صورت اساسی مورد توجه قرار دهد.

سیاست های شفاف و مؤثر اقتصادی، مبارزه با فساد و حکومتمداری سالم، پیش شرط های رسیدن به اهداف بزرگ اقتصادی را تشکیل می دهد. تا زمانی که فساد از ادارات دولتی برچیده نشود و حکومت سالم بر مبنای منافع ملی به وجود نیاید، توسعه اقتصادی و حرکت تدریجی و دوامدار افغانستان به سوی خود اتکالی دشوار و حتما ناممکن خواهد بود.

افغانستان علاوه بر کمک های خارجی دارای ظرفیت های بالقوه عظیم اقتصادی است که استفاده درست از ظرفیت های موجود می تواند مسیر شکوفایی اقتصادی را برای مردم کشور هموار سازد. استخراج معادن و تدوین استراتژی دقیق برای مهار آب های کشور و تقویت نقش دهلجی عبوری افغانستان برای گسترش همکاری های تجاری در منطقه، بدون شک به آوردن امنیت، ثبات و رشد اقتصادی در کشور کمک خواهند کرد.

روز شنبه، وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، پنتاگون بیانیهای مهمی را منتشر نمود. در بیانیه آمده بود: «امروز، وزارت دفاع در یک حمله هوایی، ملا منصور، رهبر گروه طالبان را هدف قرار داد». در این بیانیه کشته شدن او را تأیید نکرده بود. در پی آن، ارگ ریاست جمهوری، ریاست اجرائیه، ریاست عمومی امنیت ملی و وزارت امور داخله افغانستان حمله هوایی بر موتر حامل منصور را تأیید نمودند. ریاست عمومی امنیت ملی تنها نهادی بود که کشته شدن منصور را در همان اعلامیه اولی خود تأیید نمود. باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا نیز این خبر را تأیید کرد. سرنوشت گروه طالبان پس از منصور چه خواهد شد؟ آیا شورای رهبری گروه طالبان قادر به حفظ گروه خواهد بود؟ آیا رقابت های درونی بر سر جانشینی منجر به تنش در درون این گروه خواهد شد؟

ملا اختر منصور جانشین ملا محمد عمر، موسس و رهبر گروه طالبان شد. منصور از همان آغاز با مشکل مشروعیت مواجه بود. خانواده ملا عمر تا ماهها از بیعت با او ابا وزید، ملا رسول یکی از فرماندهان گروه طالبان از جریان اصلی گروه طالبان جدا شد. منصور برای انسجام گروه طالبان تلاش های زیادی نمود. اما، تلاش های او تنها منجر به بیعت پسر و برادر ملا عمر با او شد. ملا رسول جنگید. با این حال، او تنها با دو سنگی گروه طالبان و فقدان مشروعیت مواجه نبود. در خارج از گروه طالبان داعش خطری جدی برای فعالیت های او محسوب می شد. او با گروه داعش نیز جنگید. داعش به گونه ای رقیب جدی او محسوب می شد. در کنار جنگ با ملا رسول و گروه داعش با نیروهای امنیتی افغانستان نیز جنگید.

از زمانی که او رهبر گروه طالبان انتخاب شده بود حملات گروه طالبان شدت یافته بود. شهر قندوز را از کنترل نیروهای امنیتی افغانستان خارج کرد. بیش از شصت درصد خاک ولایت هلمند را تصرف کرد. حملات انتحاری و انفجاری خود را به صورت

مانند امنیت غذایی و یا امنیت در مقابل بعضی امراض مهلک و غیر قابل علاج که حیات انسان را حتی در امن ترین جامعه نیز مورد تهدید قرار می دهد.

صاحب نظری دیگری بنام لارونی مارتین (Lurene Martin) در خصوص تعریف امنیت می گوید که: «امنیت عبارت از تضمین رفاه آتی می باشد» این تعریف گرچه بر مبنای یک نگرش وسیعتری از امنیت صورت گرفته اما اینکه آیا امنیت بخودی خود بتواند باعث تضمین رفاه گردد جای سوال است. اما در این امر شکی وجود ندارد که امنیت از لازمه های رفاه می باشد. جان ئی. موروز (John E. Moroz) می گوید که امنیت عبارت از رفاه نسبی از تهدیدات زیان بخش می باشد. هم چنان به عقیده آرنولد ولفرز (Arnold Wolfers) امنیت در معنای عینی آن فقدان تهدید نسبت به ارزشهای کسب شده و در معنای ذهنی امنیت عبارت از فقدان هراس از اینکه ارزشهای فرد مورد حمله قرارگیرد. به همین قسم «دومینیک داوید» نیز تعریف از امنیت ارائه کرده است که به عقید وی امنیت عبارت از: «پسداد فضایی که در آن فرد یا جمعی خود شان را در وضعیت آسیب

پس از مرگ منصور

رحیم حمیدی



بود. از این جهت، احتمال آن می رود که یعقوب به صورت جدی آمادگی تصاحب رهبری گروه طالبان را دارد. بزرگترین امتیاز یعقوب برای تصاحب رهبری گروه طالبان همان نسبت او با ملا محمد عمر است. او غیر از این امتیاز دیگری ندارد. نه در میدان جنگ بوده است و نه تجربه کافی در دیگر زمینه ها دارد. او حتی درک درست از جغرافیای افغانستان ندارد. فردی جوان است که بیشترین عمر خود را در شهریار کراچی پاکستان گذرانده است. در مقابل اما، سراج الدین حقانی تجربه کافی در جنگ با نیروهای امنیتی او پیچیده ترین حملات را علیه نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی در افغانستان انجام داده است. با شورای رهبری گروه طالبان نیز آشنایی دارد. به زمانی که خبر مرگ ملا عمر رسانده ایی شد. ملا اختر منصور به عنوان این رهبر این گروه انتخاب شد. ملا یعقوب از بیعت با ابا وزید، یعقوب با بیعت نکردن با منصور در واقع به دنبال گرفتن رهبری گروه طالبان

بود. از این جهت، احتمال آن می رود که یعقوب به صورت جدی آمادگی تصاحب رهبری گروه طالبان را دارد. بزرگترین امتیاز یعقوب برای تصاحب رهبری گروه طالبان همان نسبت او با ملا محمد عمر است. او غیر از این امتیاز دیگری ندارد. نه در میدان جنگ بوده است و نه تجربه کافی در دیگر زمینه ها دارد. او حتی درک درست از جغرافیای افغانستان ندارد. فردی جوان است که بیشترین عمر خود را در شهریار کراچی پاکستان گذرانده است. در مقابل اما، سراج الدین حقانی تجربه کافی در جنگ با نیروهای امنیتی او پیچیده ترین حملات را علیه نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی در افغانستان انجام داده است. با شورای رهبری گروه طالبان نیز آشنایی دارد. به زمانی که خبر مرگ ملا عمر رسانده ایی شد. ملا اختر منصور به عنوان این رهبر این گروه انتخاب شد. ملا یعقوب از بیعت با ابا وزید، یعقوب با بیعت نکردن با منصور در واقع به دنبال گرفتن رهبری گروه طالبان

بود. از این جهت، احتمال آن می رود که یعقوب به صورت جدی آمادگی تصاحب رهبری گروه طالبان را دارد. بزرگترین امتیاز یعقوب برای تصاحب رهبری گروه طالبان همان نسبت او با ملا محمد عمر است. او غیر از این امتیاز دیگری ندارد. نه در میدان جنگ بوده است و نه تجربه کافی در دیگر زمینه ها دارد. او حتی درک درست از جغرافیای افغانستان ندارد. فردی جوان است که بیشترین عمر خود را در شهریار کراچی پاکستان گذرانده است. در مقابل اما، سراج الدین حقانی تجربه کافی در جنگ با نیروهای امنیتی او پیچیده ترین حملات را علیه نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی در افغانستان انجام داده است. با شورای رهبری گروه طالبان نیز آشنایی دارد. به زمانی که خبر مرگ ملا عمر رسانده ایی شد. ملا اختر منصور به عنوان این رهبر این گروه انتخاب شد. ملا یعقوب از بیعت با ابا وزید، یعقوب با بیعت نکردن با منصور در واقع به دنبال گرفتن رهبری گروه طالبان

مفهوم امنیت و ابعاد آن

قسمت دوم و پایانی



به طبیعت بشر دارد یعنی به عقیده پیروان این دیدگاه از آنجائیکه بشر ذاتا جنگ طلب و شرور می باشند واز طرفی هم سازش بین منافع دولتها دور از امکان به نظر می رسد بنا به این دو مسئله است که موانع بزرگ فرا روی تحصیل امنیت کامل به وجود می آورد. و دیدگاهی دومی بر این نقطه تاکید دارد که ما فقط می توانیم که از امنیت کم و زیاد برخوردار بود به جای آنکه احساس شود حالت امنیت کامل یا عدم وجود دارد. در این دیدگاه واقعتا به هر کدام که باشد نتیجه همان است که در دست یابی به امنیت کامل دور از امکان می باشد. در عوض ما می توانیم تصور کنیم که بطور کلی امنیت یک کالای عمومی جهانی می باشد که همه اعضای جامعه چه در سطح فردی و یا سطح دولتی همه سعی می کنند با استفاده از ابزارهای دست داشته خود آنرا بدست بیاورد. بنا ما در بخش دوم این رساله در پی آن هستیم تا دریابیم که جهانی شدن به عنوان یک نظام با شعارهای جهانی چه تأثیر می تواند بر امنیت داشته باشد. که این تأثیر را ما در سه سطح به بررسی می گیریم یعنی جهانی شدن و امنیت فردی، جهانی شدن و امنیت ملی و جهانی شدن و امنیت جهانی.

قدرت که مبنای تحصیل امنیت محسوب می شود، متغیر، متفاوت و نسبی است و به تبع آن امنیت حاصل برای دولت ها نیز نسبی می باشد. بنابر این با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قوی ترین دولت ها نیز امنیت مطلق ندارند. به طور خلاصه امنیت مطلق دست یافتنی نیست و هیچ نوع نظم اجتماعی نمی تواند همه ی بی ثباتی ها، خطرها، ویرانی ها و مرگ را از بین ببرد. ۲-ذهنی بودن امنیت: اصولا احساس امنیت یا عدم امنیت یک برداشت یا امر ذهنی است که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی، اخلاقی، فرهنگی مردم و هربار یک کشور دارد. ۳-تجربه ناپذیر بودن امنیت: بدین معنی که امنیت در مقابله کردن با حاکمیت و استقلال یک کشور رابطه ای مستقیم دارد. یعنی اگر در شهر یا استانی از یک کشور جنگ داخلی یا ناامنی پدید آید، نمی توان ادعا کرد چون در دیگر شهرها امنیت به هم نخورده است، امنیت ملی کامل است.

امنیت دارای دو بعد داخلی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط هستند. در بعد داخلی تهدید های آشکار و پنهان در درون مرزها ناامنی بوجود می آورد از قبیل تهدیدات سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب ...). بحران های اقتصادی، نظامی (جنگ داخلی و ...) و آشوب های اجتماعی که هر کدام مردم را تحت فشار قرار می دهند. در بعد خارجی نیز امنیت می تواند از ناحیه مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی (تحریم های اقتصادی، تعرفه ها ...) تهدید شود. ۱- نسبی بودن امنیت: در جهان امروز دستیابی به امنیت مطلق ناممکن است زیرا

محیط زیست از مهم ترین عوامل بر هم زنده امنیت بشر تلقی می شود در حالی که تا صد سال پیش چنین چیزی اصلا تصور نبود. از آغاز دوره نظام وستفالیایی تا دهه های اخیر امنیت بین المللی عمدتا در قالب امنیت نظامی تعریف می گردید، در حالی که امروزه محوریت امنیت نظامی زیر سؤال رفته است و امنیت بین المللی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می گردد. باری بوزان از محققان برجسته مطالعه امنیت، امنیت اجتماعات بشری را که غالبا در شکل امنیت بین المللی تعریف می گردد، به پنج مقوله تقسیم نموده است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی. به طور خلاصه امنیت نظامی به اثرات متقابل تواناییهای تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است؛ امنیت سیاسی بر ثبات سازماندهی دولتها، سیستمهای حکومتی و ایدئولوژیهای ناظر است که به آنها مشروعیت می بخشد؛ امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت؛ امنیت اجتماعی، به قابلیت لازم برای حفظ الگوهای بسنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی مربوط است؛ و امنیت زیست محیطی نیز بر حفظ محیط زیست بشری به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان منتهی است، مکتب ناظر می باشد. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی کنند، بلکه هر یک از آنها دارای کانون مهمی در دوران مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویتها بوده و از طریق ارتباطات قوی همگی به همدیگر متصل هستند. بطور خلاصه تغییرات که در مفهوم امنیت از نگاه تاریخی رونما گردیده قرار ذیل می باشند:

۱- قبل از ۱۹۴۵: در راین دوران امنیت جنبه نظامی دارد و توصیه ی سیاستمداران و نظامیان در آن دوره این است که دولت ها با داشتن توان نظامی برتر، امنیت بیشتری را بدست آورند. یعنی آمادگی نظامی هدف ایده آل امنیت به حساب می آمده است. ۲- از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰: مفهوم امنیت گسترده تر شد و دیگر محدود به مسائل نظامی نماد . معنی قدرت از شکل نظامی آن به اشکال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تعمیم یافت.

۳- از ۱۹۹۰ به بعد: در این دوران جهان به مثابه یک دهکده است و مفهوم امنیت کلی واژه امنیت عمدتا به نوعی احساس روانی اطلاق می گردد که در آن به خاطر میرا بودن، از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می گردد. پدیده هایی که ممکن است باعث ترس شده و آرامش و اطمینان خاطر افراد را مختل سازند، بسیار متعدد و در عین حال پیچیده اند. با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسانها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه می شوند. برای مثال امروزه پدیده هایی چون تخریب

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

